

نگاهی به نشریات گهگاهی

نگاهی ویژه به کتاب

محمد رسول دریاگشت

به دو دلیل وقتی شنیدم کتابی با نام «نگاهی به نشریات گهگاهی» معرفی نشریات نامنظم غیردولتی - ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ - نوشته کاظم سادات اشکوری، منتشر شد، با اشتیاق آن را در شهریورماه خریدم. این کتاب حدود یک ماه مونس من بود. بارها خواندم و مستفید شدم. اول اینکه به کارهای تحقیقی و نوشته‌های دوست دیرینم که در زمینه‌های مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و مباحث اجتماعی است همواره ارج می‌نهم و احترام می‌گذارم، و هر کجا طبیعتاً چشمم به نوشته‌های او می‌افتد با خوشحالی می‌خوانم و لذت می‌برم. ایشان از پایه‌های استوار مباحث تحقیقی می‌باشند. پژوهشهای نامبرده اقلأً بیش از سی سال است در مطبوعات کشور چاپ می‌شود و خود در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ با همکاری آقای جواد مجابی دفتر «پیشتاژ» را نشر می‌دادند. علاوه بر این از شعرای نوپرداز و متعصب و برجسته ایران هستند.

دوم بدین منظور که اینجانب از علاقه‌مندان و مشتاقان به تاریخ و ادبیات ایران هستم، قاعدتاً علاقه‌مندم در جریان کارهای فرهنگی و مطبوعاتی کشور که اغلب چه در گذشته و چه در حال حاضر در گوشه و کنار مملکت انجام می‌گیرد و ما مرکز نشینها از آنها بی‌اطلاع هستیم قرار بگیرم. گمان من در ابتدا این بود که با تمامی نشریات فرهنگی که طی سالهای ۳۲ تا ۵۷ نشر یافته است در این دفتر آشنا خواهم شد، اما لیست مجلات و دفترها و جُنگها که در ابتدای کتاب معرفی شده فقط بالغ بر ۸۴ نشریه است.

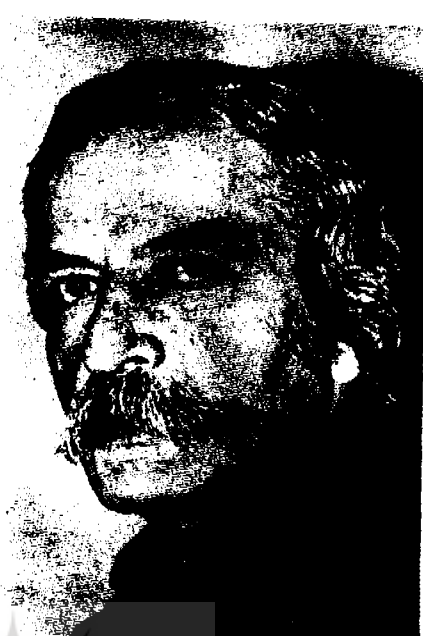
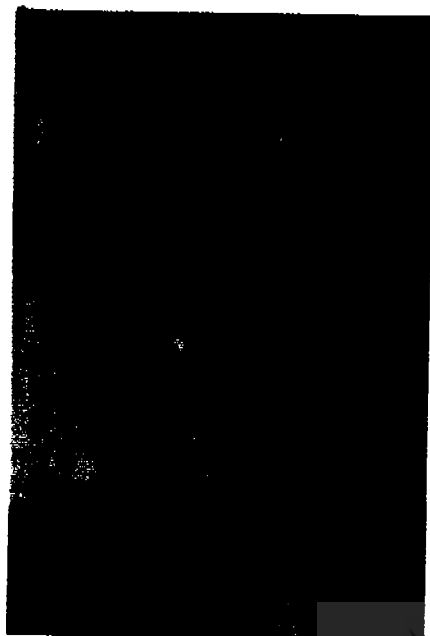
مؤلف خود در مقدمه اشاره می‌فرماید «برای سهولت کار به این نتیجه رسیدم که موضوع

بررسی را محدود کنم. برای اینکه گسترش دامنه موضوع نه تنها زمان بررسی را طولانی می‌کند، بلکه از عهده یک تن ساخته نیست. به همین دلیل از معرفی نشریه‌های نامنظم هفتگی صرف‌نظر کردم. نشریه‌های سینمایی، علمی، دینی، اقتصادی نامنظم را هم به صاحب‌نظران آن مسائل وا گذاشتم. نشریه‌های اجتماعی، فرهنگی، ادبی و هنری را نیز، نه به عنوان یک صاحب‌نظر، بلکه به عنوان یک علاقه‌مند به این قبیل مباحث به دو دسته تقسیم کردم: الف - نشریه‌های غیردولتی (مستقل) ب - نشریه‌های دولتی (وابسته). نشریه‌های غیردولتی را در این کتاب معرفی کردم که اگر عمری بود و مجالی، نشریه‌های دولتی را در کتابی دیگر معرفی کنم. بنابراین در اینجا تکلیف را برای خواننده معین و روشن فرمودند.

استنباط من اینست که مؤلف محترم دوره‌های کامل مجلات معرفی شده در این کتاب را نزد خود داشتند و بعضی را هم از طریق دوستان و کتابخانه‌ها تهیه فرمودند که در مقدمه هم به آن اشاره می‌فرمایند. این نشریات اغلب منطبق است با بینش فکری و ذوق و علاقه جناب کاظم - سادات اشکوری که خود از نامداران شناخته شده در عرصه شعر نو و از پژوهشگران صدیق و پرکار مباحث فرهنگ مردم می‌باشند. هر نشریه‌ای هم که با رأی و عقیده وی سازگاری نداشت به نحوی از سخط مؤلف ارجمند مصون نماندند: مجلات و دفترها و جنگهای بی‌شماری طی همین سالها نشر شده که در این کتاب نیامده است. نشریات معرفی شده در این کتاب همچنانکه در مقدمه اشاره شده است در زمینه‌های فرهنگی و ادبی و هنری است. (البته غیر از این موارد هم در این کتاب مشاهده شد، در خصوص نشریاتی که روش سیاسی، علمی و فنی و تربیتی داشتند، صفحات ۳۵ تا ۳۹، ۴۵ و ۱۰۷). این جراید اغلب بصورت ماهنامه یا فصلنامه و یا گاهنامه منتشر می‌شده‌اند و نیز شامل دفترها و مجموعه‌ها و جنگهاست. بی‌نظمی چندانی هم در بعضی از این نشریات مشاهده نشد که البته بدانها خواهیم پرداخت.

اگر مؤلف گرامی می‌خواستند همه نشریات این سبک را مورد نقد و بررسی قرار دهند، طبعاً منابع متعددی در اختیار بود از قبیل: آرشیو کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورای ملی سابق، فهرستهای چهار جلدی مقالات فارسی تألیف ایرج افشار (آنجا که در ابتدا صورت اسامی نشریات را می‌آوردند)، بررسی مطبوعات ایران تألیف مسعود برزین، کتابخانه ملی ایران، و... ظاهراً هدف ایشان این نبوده است که فهرست کاملی تهیه و ارائه نمایند.

رویه‌ای که نامبرده عزیز برای معرفی این نشریات اتخاذ فرمودند تقریباً شبیه به سیاق کار مرحوم محمد صدر هاشمی در خصوص چاپ «تاریخ جراید و مجلات ایران» است، با این تفاوت که مؤلف گرامی قدری بی‌مهری در اظهار بعضی مسائل را بعنوان چاشنی اضافه فرمودند. توصیف جناب سادات اشکوری بسیار دلپسند و مفید است. دوست شفیق من با حوصله و توانمندی و با گذشت ده بیست، گاه سی سال از انتشار نشریه، مجدداً آن را بازخوانی و با بصیرت تمام مطالب را نقدانه مورد بررسی و ارزیابی قرار دادند، البته با ابراز عقاید شخصی. سیاق کلام در باره اشخاص در



● کاظم سادات اشکوری

● محمدرسول دریاگشت

۳۲۶

این کتاب فرق دارد. درباره یک مجله به تفصیل سخن رفته و در باب دیگری به اجمال. تمجید از بعضی و تکذیب از دیگری. کاری که نامبرده شروع فرموده‌اند بسیار مشکل و دقیق است و هر کسی را در این دوره و زمانه یارای قدم زدن در این میدان نیست. ایشان که خود از نویسندگان قدیمی مطبوعات و از کارشناسان وارسته در عرصه مباحث فرهنگی هستند با شوقمندی و اعتقاد که حاکی از اصالت کارهای اوست کار درخور توجه‌ای ارائه فرمودند که البته خالی از اشکال هم نیست و من به مواردی از آنها و نیز سایر نکات قوت و ضعف این کتاب به شکلی که خواننده خیلی سریع منظور را دریابد اشاره خواهم کرد. این راهم عرض کرده باشم، به مناسبت تکلیفی که بر من معین شده بود، و به باتوجه به ارادت بیست و پنج ساله من به جناب کاظم سادات اشکوری، از صمیم قلب و خالصانه این گزارش را به خوانندگان محترم «کلک» تقدیم نمودم.

مؤلف ارجمند در معرفی نشریات، ابتدا اسم نشریه، آنگاه اسم مدیر و سردبیر و سپس تعداد شماره‌هائی که در تواریخ معین منتشر شده است برشمردند. بعد محتوای مقالات و اشعار چاپ شده در آن نشریه را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند. در پایان هر معرفی تعداد صفحات و قطع و اندازه نشریه را یادآوری می‌فرمایند.

● - حسن بزرگ کتاب اینکه مؤلف گرامی سعی فرمودند مندرجات نشریه را معرفی بلکه توصیف بفرمایند. برای خیلی از پژوهشگران علاقه‌مند که بسیاری از این نشریات را ندیده بودند

فرصت مغتنمی بود. اگر قدری دیگر حوصله به خرج می دادند و این مقالات را بصورت الفبائی و جداگانه در پایان هر معرفی، جلوی اسم نویسنده آن می آوردند، بدیهی است که کار مفیدتر می شد.

● کار ارزنده و چشمگیر مؤلف محترم آوردن فهرستهای متعدد نام کسان، فهرست موضوعی، فهرست عناوین مقالات، فهرست کتابها و نشریات در پایان کتاب است. البته استخراج و فهرست بندی مقالات، عقیده مرا که در بالا ذکر شد نفی نمی کند. چقدر خوب شد که محققان خیلی راحت و منظم می توانند با محتویات این نشریات آشنا شوند و آنهایی که در پی جستجو و تحقیق هستند خیلی سریع مطالب مورد نظر خود را بیابند.

● در مورد نشریاتی که طی سالها و دفعات مختلف منتشر می شدند، اگر همه را زیر یک عنوان و به دنبال هم می آوردند خیلی بهتر بود. لزومی نداشت برای هر دوره آن نشریه فصل جدید گشوده می شد، کما اینکه در بعضی موارد این رویه دوم اعمال شده. مثلاً (صفحه ۲۵۶ برای نشریه صدا، و ص ۳۷۳ برای ماهنامه دانشجویان دانشسرایعالی). البته نمونه های دیگری هم هست. تصور من اینست اگر آنچنانکه اشاره کردم، یک نشریه ای که در دوره های مختلف منتشر می شده تحت یک عنوان معرفی می فرمودند طبعاً دلپذیرتر و سهل تر بود. بویژه اینکه جای خالی بیشتری می ماند تا نشریات متعدد دیگری در این کتاب بانصد صفحه ای معرفی می گردید (آیا این نشریه دانشجویان دانشسرایعالی سپاه دانش دولتی نبود؟).

● باتوجه به اسم کتاب و بکارگیری واژه «گهگاهی» پندار این است که فی المثل همه نشریات نامنظم منتشر می شده اند، یا ماهنامه بوده، ولی بصورت گاهنامه ای در می آمده است. در حالی که من نشریات منظمی را هم در کتاب دیدم. بطور مثال عرض می کنم، نشریه «انتقاد کتاب» در دوره اول ۱۲ شماره از آذر ۳۴ تا اسفند ۳۵ - دوره دوم ۸ شماره از فروردین ۳۳ تا اسفند ۳۳ - دوره سوم از خرداد ۴۴ تا اردیبهشت ۴۶ در ۱۲ شماره (دو ماه یک بار) - نشریه «بازار» در سال اول ۱۲ شماره از ۱۵ خرداد ۴۴ تا ۲۰ اردیبهشت ۴۵، دوره دوم از خرداد ۴۵ تا اردیبهشت ۴۶، دوره سوم از خرداد ۴۶ تا بهمن ۴۷ - نشریه «صدف» از مهرماه ۳۶ تا اسفند ۳۷ در ۱۲ شماره منظمأً نشر یافته اند. شبیه این نشریات مثالهای دیگری هم هست. تا زمانی که منتشر می شده اند، منظم نشر می یافتند. به تعطیلی کشیدن نهائی آنها دلالت بر بی نظمی ندارد.

● در خصوص ابراز عقاید شخصی مؤلف محترم در مورد یادآوری بعضی مسائل مطرح شده در مطبوعات قدیمی، یا بازگو کردن عقاید دیگران در موارد خاصی حاکی از عدم رضایت نویسنده کتاب از آن مورد است که شایسته این بود بی طرفی کامل رعایت می شد. اعراض شدید مؤلف گرامی به شعر و متون ادبی کهن، به قول خودشان «کلاسیک» که بازمانده افتخارات فرهنگی ماست بخوبی در چند جای کتاب مشهود است. به چند مورد اشاره می کنم.

در صفحه ۲۹ در مورد شعر یک شاعر معروف این چنین می فرماید «گفتنی است که پس از گذشت بیش از نیم قرن، در این سال و زمانه نیز برای یافتن واژه های

● روی جلد مجله اندیشه و هنر به مدیریت دکتر ناصر وثوقی

منسوخی که برخی شاعران در شعرهای قالب کلاسیک خویش به کار می‌برند باید به «غیاث‌اللغات» و «برهان قاطع» و امثال آن مراجعه کرد». سزاوار نبود که اوراق تاریخ تعارض کهنه و نو مجدداً گشوده شود.

- در صفحه ۱۵۵ و ۱۵۶ پس از معرفی مقاله‌ای در باره «اسرار اعداد در زندگی سلاطین» نوشته یکی از محققان بنام ایران، فرمول چاپ شده در مجله را نپسندیدند و در پایان این جمله را از خود افزودند «راستی را که چه حال و حوصله‌ای دارند برخی مورخان!»

- در برخورد با مطالب تاریخی و یاد از واقعه‌های مدنی ایران، آنها را با واژه‌های «گذشته‌نگر» (ص ۹۴) و «گذشته‌گرانی» (ص ۱۵۷) یاد می‌فرمایند و اضافه می‌نمایند «گذشته از اینها این نشریه با شعر و نثر نو میانه‌ای ندارد و می‌خواهد همانطور که در سر مقاله اول اشاره کرده است «میراث ادبی و هنری را که از نیاکان ما بازمانده است حفظ کند». گاه علامتهای تعجب هم مزید بر آن افزوده می‌شود.

- در باره مطلبی که در دفتر سوم یک نشریه در باره شعر و نثر چاپ شده بود «در ادب گرانشگ گذشته، مرز میان اقلیم شعر و نثر چندان روشن نیست. از این رو بسیاری از ناظران با دستاویز وزن و قافیه، به زمره شاعران درآمده‌اند و شاعران راستین نیز با قید و بندهای آنچنانی گاهی از عروج به عوالم شاعری بازمانده‌اند»

(ص ۱۷۳). استخراج چنین نظریه‌ای از مجله‌ای و جلوه‌دادن آن برای خوانندگان معلوم نیست به چه منظوری بوده است.

- آنجائی هم که نشریه‌ای به هر دو مورد نو و کهنه می‌پردازد باز مؤلف محترم می‌فرماید «هر چند این نشریه بیشترین صفحاتش را وقف هنر و ادب کرده است، اما هدف مشخصی ندارد. نو و کهنه را با هم می‌آمیزد و در حالی که صفحه‌ای برای نیما در نظر می‌گیرد، دو شعر در قالب چهار پاره یا دو بیتی پیوسته در سوگ نیما از رحمت موسوی و علی خداجو به چاپ می‌رساند، دو صفحه اختصاصی زیر عنوان «آوازهای طلائی» را نیز به شعرهای قالب کلاسیک اختصاص می‌دهد» (ص ۲۸۶). این رویه هم گویا خوشایند مؤلف گرامی نبوده است.

- برخورد همراه با شائبه در مورد چند تن از مفاخر علمی و فرهنگی ایران که دستشان هم از این دنیا کوتاه و یادگارهای مکتوبشان از ذخائر گرانبهای ادبی ما است، و واگونی مسائلی که مرتبط با مقام علمی آنان نبود، حداقل جای آن در این کتاب که باید بی‌طرفانه نوشته می‌شد نیست.

● - در مورد الفبائی نام نشریات در چند مورد سهو و اشتباهی صورت پذیرفته که آنچه مشاهده شد یادآوری می‌شود.

- «فصلهای سبز» باید جلوتر از «فصلی در هنر» قرار می‌گرفت.

- «کتاب پیام» باید قبل از «کتاب تاریخ پویا» می‌آمد.

- دو نشریه «واژه» و «ویسمن» باید بعد از «نوروز» و قبل از «هنرهای ملی»

قرار بگیرد.

- جای نشریه «هنرهای ملی» بعد از «هنر و ادبیات امروز» است.

● - ضمن معرفی مطالب هر نشریه، برای اینکه نمونه‌ای هم ارائه فرمایند، یک قطعه شعر نو، یا شعر سپید، یا شعر آزاد تقدیم خوانندگان شده است. تعلق خاطر شدید ایشان به شعر نو، نثر نو، داستان نو - اعم از ایرانی و خارجی - در جای جای این کتاب به چشم می‌آید که با حروف سیاه مشخص شده. اگر غیر از این بود، چرا وقتی مجله «صدف» بررسی و معرفی می‌گردید، نمونه‌ای از دو بیتی‌های جذاب و لطیف که با گویشهای کردی، مازندرانی، کرمانشاهی در بعضی شماره‌های این مجله چاپ شده، معرفی نشدند.

● - اول این چند جمله از ص ۱۳۸ کتاب را بخوانید «متاب، نوع خاصی از کتاب است که به علت خصوصیات و اهمیتش باید جایی خاص برای آن باز کرد. چون گاهی شماره «متابها» از کتابها بیشتر می‌شود. «بررسی کتاب» سعی خواهد کرد که از این پس بخشی هم برای «بررسی متاب» داشته باشد تا ابناء وطن از آشنائی با این گونه آثار محروم نمانند و نویسندگان این آثار نیز که غالباً آدمهای بسیار جدی و کوشا هستند، بی‌اجر نمانده باشند». البته جملات بالا نقل قول است، ولی منعکس

مکتب

آور سال ۱۳۳۱

مدیران: ... (نام‌ها نامرکز است)
مؤلفان: ... (نام‌ها نامرکز است)
مترجمان: ... (نام‌ها نامرکز است)
تألیفات: ... (نام‌ها نامرکز است)

● روی جلد انتقاد کتاب

نمودن آن به این دلیل بود که مؤلف محترم ظاهراً با این طرز تفکر موافق و کتابهائی مثل: اطلاعات عمومی یا دائرةالمعارف، خواب و خوراک، طریقه ادب، علوم جنائی و امثالهم از دیدگاه ایشان «متاب» محسوب شده‌اند. (کتاب، متاب). آیا اینطور نیست؟

● در فرهنگهای فارسی برای واژه‌های زیر تعاریف متفاوتی شده است. به شرح زیر:
- مجله / مجموعه‌ای از مقالات گوناگون که هر ماه یا هر هفته چاپ و منتشر

می‌شود.

- دفتر / دسته کاغذی ته‌دوزی شده به شکل کتاب که در آن مطالب و اشعار و

غیره به چاپ رسانده می‌شود.

- نشریه / پراکندن خبر، منتشر ساختن خبر (جمع آن نشریات).

- جریده / یادگار نامه، روزنامه، صحیفه، دفتر نویسندگان.

بنابراین با این تعاریفی که شد، اطلاق کلمه «نشریات» شاید برای این کتاب متناسب نبوده است. واژه جراید و مجلات بیشتر مصداق پیدا می‌کند. وقتی کتاب را چند بار خواندم، با توجه به روشی که جناب کاظم‌سادات اشکوری در نظر داشتند نام «نگاهی توصیفی به بعضی مجلات و جراید» برای این کتاب برآورده‌تر بود.

چند جریده و مجله قدیمی

چند مجله و دفتر که مربوط به سالهای ۳۲ تا ۱۳۵۷ بود و در کتاب یاد شده نامی از آنها برده نشده بود، تصادفاً در منزل داشتیم که بطور اختصاری به معرفی آنها می‌پردازم. هر چند ممکن است تعدادی یا همه آنها مورد تأیید دوست عزیزم نباشد، یا اصولاً آنها را قبلاً ندیده باشند، ولی برای اینکه تجدیدخاطرهای شده باشد، و خوانندگان ارجمند «کلک» هم بی‌نصیب نمانده باشند عکسی از آنها هم ضمیمه نمودم تا همراه این گزارش چاپ شود.

۱ - ارمغان انجمن ادبی تبریز

به قطع وزیری، ۹۶ صفحه، تبریز ۱۳۴۷، ۲۰ ریال.

در این دفتر اشعار و غزلیاتی که همه در قالب کلاسیک است از شعرانی همچون: استاد شهریار، محمدآبادی باویل، جواد آذر، محمد آغاسی، محمد امین ادیب طوسی، عباس اسلامی، عبدالصمد امیر شقاقی، سلیمان امینی، محمد بیرای گیلانی، محمد پدیده، احمد ترجانی‌زاده، علی حریرچی، عزیز دولت‌آبادی، یحیی شیدا، عباسعلی صفرزاده، محمدعلی فتی، فرهنگ، علی نظمی، حسین مجبی، اسمعیل مرتضوی برازجانی، جمشید مرتضوی، منوچهر مرتضوی، محمدعلی نجاتی، استاد واجد، سلیمان وثوقی، محمدتقی یعقوبی چاپ شده است. از اینکه انجمن ادبی تبریز جنگ شعر دیگری قبل یا بعد از این هم چاپ کرده باشد اطلاعی ندارم. در این دفتر شعری به خط شادروان استاد شهریار به هنگام زیارت آرامگاه حافظ، در فروردین ۴۷ چاپ شده است با عنوان «حافظ، خداحافظ» این شعر به همراه این مقاله تقدیم شد تا چاپ گردد و خوانندگان مشتاق بهره‌مند گردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲ - جوانان امروز (نشریه اختصاصی مهر ایران) مع علوم انسانی

قطع وزیری، ۳۴ صفحه، شماره اول بهمن ماه ۱۳۳۶، تهران، ۵ ریال.

این مجله که فقط همین یک شماره از آن چاپ شده است کار ذوقی عده‌ای از جوانان آن عهد بود که نگارنده هم جزو آنان بودم. در بخشی از سرمقاله آن آمده است «همینقدر که بتوانیم در روزی هادی نسل آینده بوده و نسل جوان را از این غرقاب نجات دهیم، توانسته‌ایم این هدف بزرگی را که در نظر داریم به دست آوریم. اگر حمل بر گزاف‌گویی نشود می‌توانیم ادعا کنیم که این اولین چراغی است که ما برای هدایت نسل جوان برافروخته‌ایم و بدون داشتن هرگونه انتظاری اکنون مجله‌ای متکی به همکاری‌های تنی چند نویسنده برای نسل جوان پدید آورده‌ایم». این مجله مثنی مشخصی نداشت. مطالب آن مخلوطی بود از ادبیات و مسائل تربیتی و فکاهی و غیره. اهم مندرجات آن به این قرار است:



- نسل جوان را دریابید؟ از سردبیر
- دردل جوانان / از کبری روستائی واحد رشتی زاده
- شرح حال داوینچی / آصف رزم دیده
- دبیرستانهای تهران / محمد رسول دریاگشت
- تنق و نوق / معلم شما
- از اینجا و آنجا / جعفر طاهری
- داستان فردوس / جمال لاهیجی
- قاجاق / آلفونس آله
- تأثر و سینما / م. جمشیدی
- مادران آینده / مینا سلامی
- زیون درازی ؟ /
- مشغولیات و کارهای ذوقی / هوشنگ دزفولیان
- خودکشی / امیل لاسوری / ترجمه شبنم
- من عصیان می کنم / ابوالقاسم صفرخانی
- بهداشت مو / مریم ملک زاده
- بازی تقدیر / ژوان باویر
- صفحه شعر / زیر نظر محمد رسول دریاگشت
- تنقلات / حسن قزل ایباغ
- اخبار ورزشی / احمد آذرمی

یک دو بیتی دلکش در این مجله چاپ شده بود که اینجا یاد می شود:

قبا آبی، قبا بایت در بر من / خودت رفتی هوایت در سر من
 خودت رفتی نگفتی چون کنم من / در این منزل نگه برکی کنم من

۳- دارالفنون و امیرکبیر

نشریه انجمن ادبی دبیرستان دارالفنون، سال تحصیلی ۳۶-۳۷.

قطع وزیری، ۸۶ صفحه (تاریخ چاپ فروردین ۱۳۳۷، تهران)

این یک جلد نشریه اختصاصی به میرزا تقی خان امیرکبیر و شرح خدمات او و تاریخچه دارالفنون دارد. بعضی مطالب مندرج در آن را ذکر می‌کنم. فقط همین یک جلد چاپ شد.

- | | |
|-----------------------------------------------------|---------------------------------------------|
| - شمه‌ای از شرح احوال امیرکبیر / جلال‌الدین شریفیان | - زهر خند مرگ / محمد جواد تربتی |
| - به یاد امیرکبیر (شعر) / جعفر آل ابراهیم | - اجتماع و امیرکبیر / حسین کبیری |
| - دارالفنون و تحولات آن / محمد وفائی | - گزارشی از فعالیتهای فرهنگی دارالفنون |
| - نوای دانش (شعر) / حسین مسروز | - پس از صد سال (شعر) / حسین مسروز |
| - یادی از دیروز / محمد صدیق اسفندیاری | - مسجد معلم و دارالفنون / محمدتقی صدرالغروی |
| - قصیده‌ای از قآنی شیرازی در مدح امیرکبیر | |
| - یک چهره درخشان تاریخی / محمدعلی رزم‌آئین | |

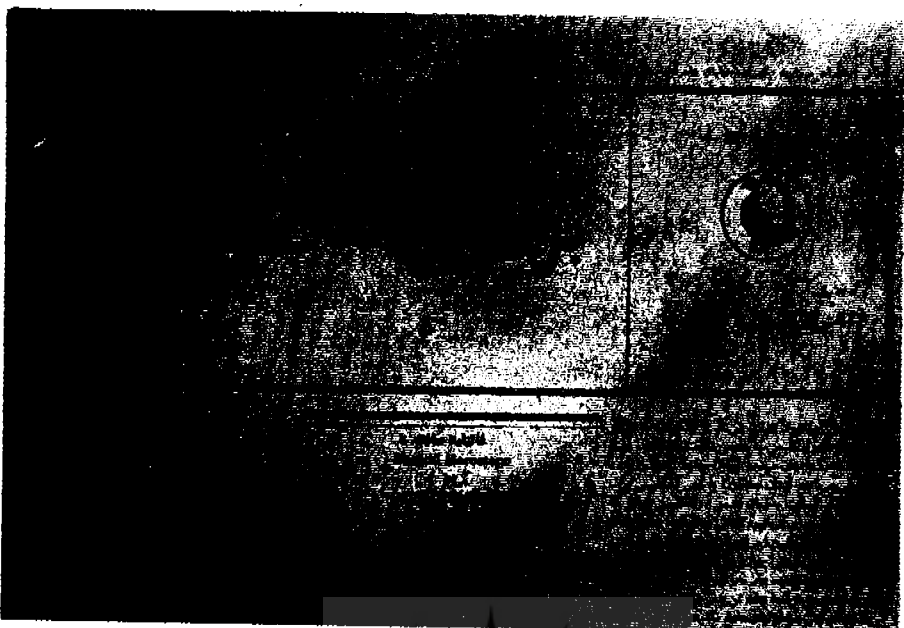
تمام نوشته‌ها و اشعار مندرج در آن کار دبیران مدرسه بود که نامهای بلند آوازه آنان را در بالا مشاهده فرمودید. از این دفتر تعداد ۲۰۰۰ نسخه چاپ شده بود. یک نقاشی زیبا از چهره امیرکبیر که توسط استاد رسام ارزنگی که همان موقع معلم نقاشی دارالفنون بود روی جلد چاپ شده است، و من این نقاشی را همراه این مقاله نمودم که در مجله چاپ شود و خوانندگان حظی برده باشند.

۴- روشندل

مدیر دکتر محمدخزائلی - سردبیر حسین شاه زیدی

از این مجله که فقط من همین یک جلد را داشتم و شماره آن ۵۰ است هیچ اطلاعی درستی ندارم. قاعدتاً تا تاریخ انتشار شماره ۵۰ که فروردین ۱۳۵۲ بوده است باید حدود دو سال از عمر آن گذشته باشد. منظم و ماهانه چاپ می‌شده یا خیر، مطلع نیستم. روش مجله را به درستی نفهمیدم، بعضی مطالب آن را یادآوری می‌کنم: شکل و شمایل مجله شبیه خواندنیهاست.

- | | |
|--------------------------------------|----------------------------------------|
| - بهار زیبا (شعر) / حسین شاه‌زیدی | - دکترهای مجله / خسرو شاهانی |
| - رستوران گردان (شعر) / ابراهیم صهبا | - گوینده گذشت عمر (ساعت) |
| - جدال دو تن از نویسندگان مجله | - نایب‌انان کشور دانمارک / محمد خزائلی |
| - (محمد باقر صدرا و مسعود فشیخانی) | - پول، پول / کمال‌الدین مستجاب‌الدوه |
| - در دین اکراه نیست / محمد خزائلی | - حروف مقطعه کتاب آسمانی / حسین دانشبد |
| - جانشینان پیامبر / محمدباقر صدرا | - ممکن و محال (شعر) / فضل‌الله ترکمانی |
| - اندرزنامه‌ها / احمد نیکو همت | - بهار باز آمد (شعر) / سیروس انور |
| - شور عشق (شعر) / سیمین بهبهانی | - رفیق خلوت دل (شعر) / مهین دخت عمید |
| - خداوندا (شعر) / محمد سراجی | |



● روی جلد نشریه بررسی کتاب

۵- سفیر وطن

۳۳۲

دارنده امتیاز نعمت‌الله بزرگزاد - مدیر مسئول اب. فریدنی

این مجله جیبی که به قطع ۱۴ × ۲۱ بود خط‌مشی درستی نداشت و از سرگذشت آن اطلاع دقیقی به یادمانده. مدتی در این مجله کوچک قلم می‌زدم و آثار کوچک ادبی و تاریخی و شرح حال بزرگان را در آن می‌نوشتم. چند شماره‌ای از این مجله در منزل داشتم که در یک اسباب‌کشی به همراه بعضی اوراق و نوشته‌های قدیمی من مفقود و یا دور ریخته شد. بعدها نسخه‌هایی از این مجله را در آرشیو کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دیدم که از بعضی صفحاتش فتوکپی برداشتم. شماره ۱۲ آن در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۳۳ منتشر شده و به نظر می‌رسد هر ۱۵ روز یک بار منتشر می‌شده است. این مجله قبلاً با نام «شیپور» نشر می‌یافته که شیپور ظاهراً نام یک مؤسسه فرهنگی بوده است.

۶- صدای فرهنگ (ضمیمه روزنامه آرام)

مدیر مسئول جمشید افشار طوس - سردبیر محمدرسول دریاگشت

قطع رقعی، ۳ صفحه، بهمن ۱۳۳۵، انجمن ادبی دبیرستان دارالفنون

این مجله دانش‌آموزی را اینجانب یک تنه که در آن هنگام رئیس انجمن ادبی مدرسه مذکور بودم نشر دادم. دقیقاً یادم هست که به مرکز بخش جراید در تهران واقع در یکی از کوچه‌های لاله‌زار

مراجعه کردم و ترتیبی داده شد که فقط در تهران پخش شود. گاهی هم که خودم از جلوی دکه روزنامه‌فروشیها عبور می‌کردم و این مجله را در بساط آنها و در کنار سایر جراید می‌دیدم فوق‌العاده خوشحال می‌شدم. البته استقبال چندانی نشد و مقدور نگردید که انتشار آن را ادامه دهم. برخی مطالب مندرج در آن را یادآوری می‌کنم:

- سرمقاله / سید تقی تقوی مدیر دارالفنون
- بهشت و جهنم / محمد شیروانی
- تربیت فرزندان و جوانان / مهدی مهدوی شهرزانی
- به یاد دوست (امیلی برانته) یحیی اسفراجانی
- امروز هر کس آینده اوست / سردبیر
- نهضت شعوبیه / محمد رسول دریاگشت
- قطعه ادبی «اشک من» / دانش آموز
- معرفی کاملی هنرمند دارالفنون
- در پیشگاه تاریخ / جمشید افشار طوس
- خبرهائی از جهان علم / ترجمه پرویز زرین‌کفش
- اخبار ورزشی / حسن ملک
- سیسرون / نوشته نویسنده
- اشعاری از مقدمین، شعرای معاصر، و دانش آموزان.
- زندانی (داستان) / ترجمه یحیی اسفراجانی
- یکصد و دهمین سال تأسیس دارالفنون / تقی تقوی
- اخبار فعالیت‌های انجمن‌های مختلف مدرسه دارالفنون.

۷- نامه سخنوران سپاهان

از انتشارات سرای سخنوران سپاهان

فقط جلدهای چهارم و پنجم از این دفتر را داشتم که معرفی می‌کنم. جلد چهارم در آبان‌ماه ۱۳۵۵ به قطع وزیری در ۱۲۶ صفحه - جلد پنجم در سال ۱۳۵۶ در ۱۵۲ صفحه منتشر شده است. اگر مبنا و قیاس را بر همین دو جلد قرار دهیم باید گفت محتوای سنگین و خوبی داشته است. چون تعدادی نوشته‌های تحقیقی هم در این دو جلد چاپ شده آنها را معرفی می‌کنم.

جلد چهارم - پرتوی اصفهانی شاعر و خوشنویس بزرگ قرن سیزدهم / منوچهر قدسی - دیرویران (شعر) / عبدالعلی ادیب برومند - گوهر مراد (شعر) عبدالمجید اوحدی (یکتا) - غزل / عبدالکریم بصیری - خانه غم (شعر) محمد بیربای گیلانی - فکر (شعر) احمد غفورزاده - غزل / قدرت‌الله هاتقی - بررسی شعر قدیم فارسی و معرفی حسن بهینا شاعر اصفهانی / محمدعلی صاعد - بلبل خزان (شعر) دکتر محمد سیاسی - بحثی مختصر پیرامون خط و خطاطی در ایران / حبیب‌الله فضائلی - نامه منظوم به فریدن توللی / منوچهر قدسی - غزل / رضا شجاعت - زصحرا ببرد (شعر) محمد پرستش - اشعاری از خسرو احتشامی، اکبر جمشیدی، محمدرضا شمشیری، نعمت‌الله خضری، احمد خلیلیان، محمد علی پروانه، علی غفورزاده، جلال برجیس، رضا بهشتی نژاد، علی شیرانی، ابوالقاسم جندقیان.

- واژه‌شناسی دیه‌ها و روستاهای اصفهان / تحقیق محمد مهربار - شعر اندیشه / مرتضی

هادوی فرد - شیوة مردانه (شعر) مسعود بصیری - آغوش وفا (شعر) محمدعلی معرفت - کهتر
(شعر) مرتضی محمدی نژاد.

اشعار همه به سبک قدیم و عکس هر شاعر و نویسنده در بالای هر صفحه آمده است.

جلد پنجم - کوه آتشگاه اصفهان / نوشته دکتر فرهاد آبادانی

- یادگار داریوش در بیستون / دکتر فرهاد آبادانی

- علل حملهٔ بختیارها به تهران / محمود خلیل پور

- هنر و هنرمند (شعری بلند) / حسن بهنیا (متین)

- گوشه‌ای از تاریخ ایران (سرگذشت احمد بن عبدالله خجستانی و حوادث تاریخی قرن سوم

هجری) / محمد مهریار

- اشعاری از: محمد شفیعی، محمدعلی صاعد، رضا شجاعت، ابوالقاسم جندقیان، علی وحید

دستگردی، مرتضی محمدی نژاد، حسن کاظمی مرادی.

- معرفی و نمونه شعر فدای اردستانی / محمدعلی صاعد.

- حملهٔ چنگیز به ایران و فتح بغداد به دست هلاکو / حسین عریضی.

اشعار: دل عارف / مرتضی افتخار شیرازی، غزل / قدرت‌الله هاتقی، شعر / محمدرضا

بخردی، شعر / عباسقلی ترابی، غزل / احمد شاهد، سبکیار بماند / محمد پرستش، غزل / مصطفی

اسماعیلی، نقش تو / ایرج افتخاری، سفر / خسرو احتشامی.

فرهنگ‌نامهٔ واژه‌های روستا و دیه‌های اصفهان / (قسمت دوم) / محمد مهریار.

پژوهشگاه علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی